



علی اصغر مصلح

دعوت به زیستن با تعارضات

از «فیلسوف فرهنگ» توقع آرامش می‌رود؛ حتی اگر از مسائل روز و پرتنش سخن بگوید. مصلح در اوج تنش‌های جامعه برای برگزاری بازی فوتبال ایران و کره جنوبی در روز تاسوعا کوشید در یادداشتی در روزنامه ایران از این تعارضات‌های فرهنگی تبیینی فلسفی به دست دهد: «نمی‌توانیم نپذیریم که در دنیای معاصر، مردم ملت‌ها به زیستن با اجزا و عناصر ناسازخوگر فرشته‌اند. زمان زیستن در عوالم یکدست به پایان رسیده است. مردم از کنار هم قرار دادن عناصر فکری-رفتاری متعارض حتی اگر نریزند، پرهیز نمی‌کنند. زمان ما، زمان زیستن با تعارضات است. مردم زمان ما به اقتضای زیستن در عالم متکثر و متنوعی که محصول تاریخ‌های مختلف و متعارض است، با هم تلاقی پیدا



کریم مجتهدی غربی شرقی

دوره می‌دانم می‌دانم همه تمام شده و کافی است. موقع آن رسیده که بگویم چه می‌دانیم، به عقیده من اراده بردنایی اولویت ندارد. متأسفانه یک سری دانشجویان فقط از من سؤال می‌پرسند و فقط می‌خواهند که من حرف‌هایشان را تأیید کنم در حالی که دانشجو باید اراده واقعی برای دانستن بکند.» این را کریم مجتهدی خردادماه گذشته در همایش «فلسفه و عرفان اسلامی در عالم معاصر» در دانشگاه علامه طباطبائی گفت. این استاد فلسفه غرب امسال نیز تا گید همیشه خود بر زبان فارسی را مؤکد کرد و در گفت‌وگو با خامنه‌ای دات آ آی آر گفت: «در شرایط فعلی زبان فارسی در خطر بزرگی قرار گرفته است و روز به روز از سلامت و صلابت آن متأسفانه کاسته می‌شود. یک عبارت معروفی است که مرحوم خاندلری برای دفاع از زبان فارسی نوشته است.

به عقیده او اگر انگلیسی‌ها در براندازی زبان فارسی در هندوستان موفق نشدند، ما در ایران به دست خود در این کار موفق شده و زبان فارسی را ضعیف کرده‌ایم. منظور اینکه در هندوستان، زبان فارسی زبان دیوانی بود و انگلیسی‌ها می‌خواستند به جای آن انگلیسی را رایج کنند. خاندلری می‌خواهد بگوید که ما در ایران زبان فارسی را داریم از بین می‌بریم.» بنا به اعتقاد او استفاده از لغات بیگانه باید قذغن شود.

او همچنین در خردادماه در همایش ملاصدرا اظهار کرد: «من بیشتر متخصص فلسفه غرب هستم ولی مدافع فلسفه غرب نیستم، فلسفه صدرا، سهروردی و... می‌توانند آینده فرهنگ ما را تضمین کنند اما نباید از فلسفه غرب بی‌اطلاع بود.»



نعمت‌الله فاضلی

روایتگر بیم‌ها و امیدها

فاضلی نبض جامعه را خوب می‌شناسد و از همین روسریزنگاه‌ها خوب می‌نویسد و تحلیل می‌کند. او در سخنرانی آبان‌ماه خود در سلسله نشست‌های «بیم‌ها و امیدها» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با اشاره به اینکه «حوزه علوم اجتماعی نتوانسته است درباره امید نظریه پردازی کند» بیان کرد: «مهم‌ترین سرکوب سرکوب اقتصادی نیست بلکه سرکوب فرهنگی است. جلوگیری از رسمیت یافتن سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی گروه‌های باس اجتماعی را به وجود آورده است. مفهوم امید اجتماعی می‌خواهد سیستم، ساختار و سوزو را به هم وصل کند. معتقدم از مشروطه تا الان شرایط شناسایی امید در جامعه ما رشد پیدا کرده است، توسعه تکنولوژی، آموزشی، تحولات اقتصادی و توسعه ارتباطات جهانی



علی پایا

عقلانیت نقاد

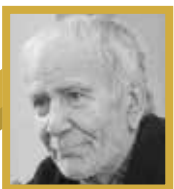
علی پایا در خردادماه کتاب «فلسفه تحلیلی از منظر عقلانیت نقاد» را از سوی نشر طرح نقد منتشر کرد. این کتاب دربرگیرنده ۲۳ مقاله مختلف در خصوص چهار عنوان عام بود: «فلسفه تحلیلی به طور کلی»، «فلسفه علوم اجتماعی و انسانی»، «فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی» و «رئالیسم علمی». رویکرد نقادانه علی پایا در این کتاب مبتنی بر یکی از گرایش‌های اصلی در فرودین باهمین رویکرد مقاله «از قرآن چه و چگونه می‌توان آموخت: یک بررسی از منظر عقلانیت نقاد» را به انگلیسی در مجله پژوهشی «مطالعات اسلامی» پی گرفته بود و نیز در اردیبهشت‌ماه در مقاله «رویکرد عقلانیت نقاد به دین» در مجله اندیشه بویا همین رویکرد را دنبال کرده و کوشیده بود مدلی را برای فهم دین پیشنهاد دهد.



داوود فیرحی

اصلاح نظام حکمرانی

بهمن‌ماه ۹۳ بود که داوود فیرحی از اتمام نگارش شرحی بر اثر مهم محمد حسین غروی نایینی «تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله» خبر داد. اما این کتاب ۶۲۰ صفحه‌ای ابتدای ۹۵ سرانجام به دست علاقه‌مندان رسید. فیرحی در «آستانه تجدید» کوشیده است با توضیح واژگان در کنار متن و شرح و تحشیه تنبیه‌الامه اندیشه‌مکنون در آن را باز نماید و امکانات و نتایج‌های این اثر مهم را در راستای رابطه دین و دموکراسی و به طور کلی، دین و دولت مدرن آشکار سازد چرا که به گمان او مرحوم نایینی، امروز در دو غبار زمان و تغییر ایدئولوژی خوابیده است. این دو غبار باعث شده مادر درک فضای ذهنی نایینی دچار مشکل شویم. فیرحی در طول سال کوشید بررسی‌های «فقه سیاسی» خود را با تکیه بر مسائل روز پیگیری کند. تبیین اندیشه‌های علامه جعفری و شهید بهشتی، بنیادهای فکری جریان تکفیری، تحزب در ایران و... از جمله مسائلی است که او امسال به آن پرداخت. فیرحی در بخشی از سخنرانی خود در نشست «مبانی حکمیت و الگوهای دولت در فقه معاصر شیعه» اینچنین گفت: «بحث از پیشرفت وقتی مشخص می‌شود که ما اندیشه شفاف داشته باشیم. باید تجربه تاریخی خود در حوزه فکر را بررسی کنیم. قدمای ما گفته‌اند که پیشرفت با قانون ملازمه دارد و قانون را باید اصلاح کرد. قانون اصلاح نمی‌شود مگر اینکه نظام حکمرانی را اصلاح کرد.»



غلامحسین ابراهیمی دینانی

هستی و پریش

دینانی سال نورا با یک کتاب نو آغاز کرد. فروردین‌ماه کتاب «پریش از هستی یا هستی پریش» از او منتشر شد. او در بخشی از کتاب آورده است: «گسترش هستی شبیه و همانند ندارد؛ چنانکه گسترش آگاهی و علم نیز رقیب و هم‌اورد نمی‌شناسد. اگر کسی بتواند برای علم و آگاهی رقیب و هم‌اوردی در نظر بگیرد، باید آنچه رقیب و هم‌اورد علم و آگاهی شناخته می‌شود، در حیطه آگاهی در آمده باشد. البته در آن صورت نه تنها رقیب و هم‌اورد آگاهی نیست، بلکه در حیطه آگاهی قرار می‌گیرد و از اقسام آن به شمار می‌آید. بنابراین آگاهی، رقیب و هم‌اورد ندارد.» او که در این سال نیز همچنان حضور در برنامه معرفت از شبکه چهار سیما را پیگیری می‌کند، در همایش روز ملی بزرگداشت ملاصدرا در خردادماه گفت: «متنشاً شروع در عالم هستی جهل است و اگر جهل نبود شری نیز در عالم هستی نبود. نرسیدن به حکمت به نوعی از جهل است. ایران کهن‌ترین تاریخ تمدنی جهان را دارد در دین مهم‌ترین تمدن‌ها قرار می‌گیرد. فرهنگ تمدنی در ملت ایران وجود دارد و بوکوحرام از ایران بیرون نمی‌آید. خیلی خوب است که امروز فلسفه رایج شده اما مشکل این است که دقیق خوانده نمی‌شود.»

کرده‌اند و در صد جمع میان تعارض‌های گذشته و حال خویش اند. باید بپذیریم که دیگر ملتی با فرهنگی ناب و یکپارچه که ریشه در تاریخ واحدی داشته باشد، وجود ندارد. اما سؤال مهمی که در این شرایط پرسیدنی است، میزان توان فرهنگ‌ها و ملت‌ها برای جمع تعارضات و ایجاد تألیف و سنن میان آنها است.» او همچنین در یادداشتی به مناسبت انتخاب ترامپ چنین نوشت: «انتخاب ترامپ علاوه بر همه دلالت‌هایش، نشانه استعداد‌های بروز خشونت و خودمطلق بینی و نفی دیگران در همه فرهنگ‌هاست. مواجهه با این خطر شاید در آینده باعث نزدیکی بیشتر خردمندان مهرورز و طرفداران صلح و دوستی در درون جوامع و فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر شود.»



سروش دباغ

یک سرو هزار سودا

سروش دباغ همچنان در تورنتو و انواع مؤسسات و دانشگاه‌های کانادا و امریکای شمالی مشغول به فعالیت است؛ فعالیت پر دامنه‌ای که از روشنفکری دینی و تفسیر قرآن و مولوی پژوهی تا فلسفه و مسائل سیاست روز را در بر می‌گیرد. در تیرماه تفسیرهای او از قرآن در مرکز اسلامی ولیعصر تورنتو ادامه یافت و از پاییز تا زمستان، بنیاد سهروردی در تورنتو میزبان سخنرانی‌های حافظ پژوهانه و مولوی شناسانه او بود. او امسال بررسی جریان روشنفکری دینی را با «آل احمد، آشوری و شادمان شناسی» و «ملکیان شناسی» ادامه داد و در فلسفه غرب در گفتارهایی در مورد اسپینوزا و کی‌یرگارد ترتیب داد. اما مطابق انتظار گفتارهای او در روشنفکری دینی از دیگر فعالیت‌های او حتی دامنه‌دار تری بود و در تمام سال در مراکز مختلف کانادا و حتی تهران (از راه دور) ادامه یافت و موضوعاتی مانند «مسلمان سکولار»، «مواجهه عقلانی با واقع‌ه کربلا»، «حقیقت ایمان دینی»، «اسلام و خشونت» و «مرگ اندیشی و مرگ آگاهی» را در بر گرفت. سروش دباغ با همه این مشغله‌ها از ابتدای فروردین با مطبوعات ایران نیز در تماس بود و فقط با روزنامه ایران سه گفت‌وگو انجام داد. او در بخشی از یکی از گفت‌وگوهایش در مورد «گفتمان اعتدال» می‌گوید: «در باره آینده دولت (تدبیر و امید) نظرات متفاوتی ابراز شده است. به طور مشخص می‌توان پرسید آیا این گفتمان برای توسعه کشور مهم و مؤثر است؟ پاسخ من مثبت است. تصور می‌کنم در قیاس با مواضع بدیل که در دولت‌های نهم و دهم به چشم می‌خورد و احیاناً منتقدان دولت از آن دفاع می‌کنند، دولت (تدبیر و امید) حامل مناسبی برای گفتمان توسعه و نهاده شدن ساختارهای مدرنیستی متناسب با قد و قواره‌های کنونی ایران است.»

مواردی بوده‌اند که امید را به گروه‌های تهیدست داده‌اند و اینها را اصلاً سیستم نداده است.» دیگر نوشتاری که در سال گذشته از فاضلی قابل تأمل بود یادداشتی است که او درباره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در روزنامه ایران نوشت. در ابتدای این نوشته آمده است: «هاشمی رفسنجانی در تاریخ معاصر ما تنها یک نام نبود و نیست. او را باید نوعی ساختار متحد دانست که بخش مهمی از آرزوها، انتظارات، نیروها و ایده‌های جامعه و مردم ما برای شکل دادن فرهنگ و جامعه‌ای جدید بود. هاشمی رفسنجانی در کلیت جامعه معاصر ما یکی از نمادها یا نشانه‌هایی بود و هست که مردم ما برای رسیدن به جامعه جدید که گاه آن را جامعه معاصر، گاه تجدید یا حتی مدرن می‌نامیم ظهور کرد.»